

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی حقوقی رفتار دولت های غربی

در سرکوب خیزش دانشگاه های آمریکا و اروپا

اشاره:

آن چه پیش رو دارید متن پیاده شده سخنرانی دکتر سید نصرالله ابراهیمی دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می باشد که در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱۱ در سومین جلسه شورای تحلیل سیاسی سازمان برای مسئولین و جهادگران تبیین تحت عنوان «بررسی ماهیت حقوق بشر و آزادی بیان غربی با توجه به برخورد خشن پلیس آمریکا با دانشجویان» به صورت ویناری ایراد شده است نظر به اهمیت موضوعات مطرح شده در این سخنرانی متن کامل این سخنرانی جهت بهره برداری مسئولین و کلیه اعضای شبکه جهادگران تبیین تقدیم می گردد.

مقدمه:

ما هاست که فلسطین و مردم مظلوم غزه در معرض جنایت های بی سابقه رژیم اشغالگر قدس قرار دارد. این جنایت ها احساسات و عواطف جهانی را تحت تاثیر

قرار داده است. کمتر انسان آزاده ای در دنیا وجود دارد که از اقدامات نسل کشی و جنایات رژیم اشغالگر منزجر نبوده و احساس تنفر نکند.

حداقل کاری که از دست هر انسان آزاده ای برمی آید این است که به خیابان ها بیاید، تحصن یا اعتراض و تظاهرات کند. لذا به طور طبیعی در منطقه ی شرق بلکه در مناطق غربی جهان چه در اروپای غربی چه در ایالات متحده ی آمریکا شاهد حرکت های خودجوش مردمی به ویژه نخبگان و آزادی خواهان و عدالت دوستان هستیم.

طبیعتاً یکی از کشورهایی که شدیداً درگیر مخالفت ها، تحصن ها و تظاهرات قرار دارد، آمریکاست. ایالات متحده آمریکا چهره ی جدیدی از تظاهرات و اعتراضات را مشاهده می کند که این بار از حالت تظاهرات مردمی صرف خارج شده و شاهد یک خیزش نوین دانشگاهی است که به دیگر دانشگاه های جهان تسری پیدا کرده است.

اگر در چندماه گذشته مردم به طور خودجوش در نیویورک و واشنگتن و دیگر ایالت ها در اعتراض به نسل کشی رژیم صهیونیستی به خیابان می آمدند، امروزه دانشگاه ها و بخش الیت و نخبه ی جامعه ی آمریکا به ویژه دانشجویان و اساتید دانشگاه های مختلف در ایالت های مختلف آمریکا بپا خاسته و در داخل دانشگاه و خارج آن به اعتراض پرداخته اند.

انتظار این بود که برخورد نیروهای امنیتی آمریکا نسبت به تظاهرات و اعتراضات نخبگان جامعه ی آمریکا، دانشجویان و اساتید دانشگاه، برخورد مسالمت آمیز باشد و اجازه ی اظهارنظر و آزادی بیان را به جامعه دانشگاهی شان بدهند اما این طور نشد. این در حالی است که آمریکایی ها در طول سالیان گذشته کشورهای دیگر به ویژه کشورهای نقطه ی مقابل خودشان را به نقض حقوق بشر و آزادی بیان متهم می کردند. ادعای شان این بود که شما ناقض حقوق بشر هستید و ما آمریکایی ها مدافع حقوق بشر هستیم و از آزادی بیان و حرکت های مردمی در کشورهای شما حمایت می کنیم.

به طور طبیعی انتظار این بود که آمریکا آزادی بیان و اظهار مخالفت بر علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی را به صورت مسالمت آمیز مورد توجه قرار دهد و اجازه ی ادامه و گسترش تظاهرات و تحصن را بدهد. اما متأسفانه نظام امنیتی و پلیسی آمریکا به شدت با اقدامات خشونت آمیز در مقابل دانشجویان و اساتید دانشگاه های مختلف آمریکا ایستاد و عملاً سطحی از خشونت ها را بر این دانشگاه و اساتید آن اعمال کرد.

ابعاد نقض حقوق بشر در آمریکا

البته این خشونت بر علیه دانشجویان و اساتید دانشگاه که خود دال بر نقض حقوق بشر تلقی شده و زیان آور است در تاریخ آمریکا مسبوق به سابقه است و در

گذشته هم آن جایی که حرکت دانشجویی یا اساتید دانشگاه های آمریکا بر علیه منافع سیاسی و اقتصادی این کشور بروز یافته، مقامات آمریکا در فضای داخلی و بین المللی شدیداً با استفاده های نامتعارف از قدرت، نیرو های نظامی و پلیس وارد درگیری میشوند که عملاً نقض حقوق بشر محسوب شده است.

لذا موارد زیادی از رفتار ضد حقوق بشری در ایالات متحده آمریکا وجود دارد که عکس آنچه در دنیای غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا در باره حقوق بشر می گویند را نشان می دهد. تبعیض نژادی همچنان یکی از چالش های اصلی حقوق بشر در ایالات متحده آمریکاست که نسبت بالایی از برخورد نژادی را با استفاده خشونت توسط پلیس که منجر به شکنجه و حتی مرگ افراد سیاهپوست شده در تاریخ رفتار میدانی آمریکا مشاهده می کنیم. نقض حقوق بشر در آمریکا مربوط به عناصر تبعیض نژادی نیست بلکه برابری جنسیتی نیز در ایالات متحده آمریکا بویژه احترام به حقوق زنان وجود ندارد.

در رابطه با حقوق زنان، تبعیض، نابرابری در زمینه هایی مثل کارگری، حقوق بشری و دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی کماکان در بدنه آمریکا و در جامعه آمریکا وجود دارد و آمریکا حتی نتوانسته حقوق بشر را در خصوص حقوق زنان رعایت کند. مهمتر از این، حقوق مهاجرین غیرقانونی است که شامل پناهجویانی می گردد که به آمریکا وارد می شوند. این مهاجران معمولاً با چالشهای

زیادی در زمینه دسترسی به خدمات پزشکی، آموزشی یا حقوق کارگری مواجه هستند و برخی از این مهاجران غیرقانونی با تبعیض و اعمال ناعادلانه از سوی مقامات ایالتی بلکه استفاده از خشونت توسط پلیس مواجه اند. از طرف دیگر حتی در نظام حقوقی و کیفری ایالات متحده آمریکا در ارتباط با افرادی نظیر معتادان، بی خانمان ها و کسانی که با اختلالات روانی مواجه هستند، بعضاً با خشونت های پلیسی، محکومیت های غیر اصولی و نامتناسب و شرایط ناشایست در زندانهایی که تحت نظارت و کنترل قوه قضائی آمریکا قرار دارد، مواجه هستند.

در گذشته هم آمریکایی ها بارها و بارها در رفتار با شهروندان خودشان حریم خصوصی افراد را نقض کرده اند بویژه با پیشرفت های فناوری، دسترسی به اطلاعات شخصی افراد، جمع آوری اطلاعات و داده های بزرگ، ورود به حریم خصوصی افراد همیشه مصداق ناقض حقوق بشر بوده است. وقتی کوید ۱۹ در سراسر جهان شیوع پیدا کرد و کشورها جنگ با این ویروس را شروع کردند، یکی از کشورهایی که داعیه حقوق بشر و بهداشت و سلامت عمومی داشت آمریکا بود که نتوانست از بحران سلامت عمومی و اجرای سیاست های متعادل و انسانی و واکسیناسیون به خوبی خارج شود و بارها شهروندان آمریکا در همان جریان واکسیناسیون از دسترسی به کمترین امکانات بهداشتی محروم بودند.

طبیعی است که ایالات متحده آمریکا با این سابقه ای که دارد و چالشهای جدی ای که با حقوق بشر دارد در دادن حق تجمع معترضین در خیابان ها، حق دسترسی به آموزش برای برخی از شهروندان جامعه آمریکا، عدم تبعیض و تنش های نژادی با رنگین پوستان این چنین رفتار کند.

پیشینه ننگین دولت آمریکا در استفاده از خشونت علیه دانشجویان

اکنون تظاهرات و تحصن ها در آمریکا مطرح است و دانشجویان و اساتید تحت فشار شدید امنیتی و خشونت پلیس، حقوق خودشان را از دست رفته می بینند. خشونت پلیس در برابر اعتراضات به ویژه دانشجویان مسئله ای نیست که به تازگی در ایالات متحده آمریکا بحث بر انگیز شده باشد بلکه واقعیت های تاریخی را در ایالت های متحده آمریکا نشان می دهد خشونت پلیس در برابر اعتراضات دانشجویی در آمریکا مسبوق به سابقه می باشد که نمونه های آن عبارتند از:

۱- کشتار دانشجویان در اعتراضات سال ۱۹۷۰ میلادی

در این رویداد پلیس ایالتی اوهایو با تیراندازی به اعتراض کنندگان دانشجویی که در خصوص جنگ ویتنام اعتراض می کردند چندین نفر از دانشجویان را می کشته و ده ها نفر از دانشجویان را زخمی می کند. بدین ترتیب تاریخ شهادت می دهد پلیس آمریکا در برابر اعتراضات دانشجویانی که نسبت به تجاوز و اشغالگری آمریکا در ویتنام معترض بوده و مخالف با جنگ ویتنام بودند، به جای اینکه اجازه

ی تظاهرات مسالمت آمیز را بدهد، و حتی یک حلقه ای دوروبر دانشجویان ایجاد کنند تا از تعرض موافقین جنگ ویتنام جلوگیری کند می بینیم خود نیروهای امنیتی و پلیس ایالتی اوهایو نه تنها دانشجویان معترض را ضرب و شتم قرار داده بلکه شلیک مستقیم گلوله ی سربی، چندین نفر را از بین برده و ده ها نفر را زخمی می کند.

۲- در سال ۲۰۲۰ وقتی جورج فلوید سیاهپوستی که توسط یکی از پلیس های سفیدپوست در مینی سوتا به قتل رسید و بحران اجتماعی را در آمریکا تحت عنوان «نمی تونم نفس بکشم» ایجاد کرد. دانشجویان همراه مردم در اعتراض به خشونت پلیس اعتراضات گسترده ای را در خیابان ها راه انداختند. نه تنها نیروهای امنیتی و مقامات آمریکایی از این برخورد با جورج فلوید عذرخواهی نکردند تا فضا را آرام کنند بلکه اعتراضات را با استفاده از خشونت پلیسی و بازداشت های ناعادلانه سرکوب کردند که ضرب و شتم و حتی کشتار در این جریان اتفاق افتاد.

۳- در اعتراضات بالتیمور در سال ۲۰۱۵ فردی به نام فرید گری به دست پلیس در بالتیمور به قتل رسید و به دنبال آن اعتراضات گسترده ای در مریلند بالتیمور برپا شده بود. در این اعتراضات پلیس از گاز اشک آور، خمپاره و زورگیری بی رویه علیه معترضین استفاده کرد که منجر به مجروح شدن چندین نفر شد.

۴- در اعتراضاتی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ مطرح شد، اعتراضات و تظاهرات در برخی ایالت های متحده ی آمریکا با خشونت

بی رویه ی پلیس مواجه شد. من جمله شلیک گاز اشک آور، خمپاره، ضرب و شتم و....

۵- در سال ۲۰۱۴ مایکل براون که یک سیاهپوست در ایالت میزوری بود توسط یک پلیس سفیدپوست به قتل رسید که منجر به اعتراضات و تظاهرات گسترده ای در سراسر کشور آمریکا شد و با تداخل نیروهای پلیس و استفاده از خشونت آثار مخربی در جسم و روان معترضین ایجاد کرد.

اگر به تاریخ سیاست امنیتی و نظامی آمریکا در برابر آزادی بیان و اعتراضات مردمی، خواه اعتراضات خیابانی و خواه اعتراضات دانشجویی و اعتراضات بنیادهای مختلف مردمی علیه تبعیض نژادی، ضدحقوق بشری و ... به جای اینکه تحمل پذیری نظام امنیتی آمریکا را مشاهده کنیم، چیزی که بارها خودشان به کشورهای دیگر می گویند: «اگر مردمی در خیابان آمدند و تظاهرات کردند، قدرت تحمل، صبر و بردباری تان را ارتقاء دهید، حقوق بشر مردمی را حفظ کنید.» خودشان از رفتار دوگانه (استاندارد دوگانه یا دابل استاندارد) برخوردار هستند و از نیروهای امنیتی و پلیسی شان با استفاده از رفتارهای خشونت آمیز، بازداشت های نامتعارف، زندانی کردن های بی مورد و از اسلحه با تظاهرات کنندگان استفاده می کنند.

بدین ترتیب در جریان جنگ ویتنام، شاهد استفاده ی خشونت بار پلیس در بسیاری از عرصه های معترضین میلیونی آمریکا بر علیه جنگ ویتنام بودیم. حتی اگر

به گذشته نگاه کنیم جنگ های عراق شامل حمله ی نظامی آمریکا به عراق، حمله ی نظامی آمریکا به افغانستان می بینیم بخش آزاداندیش مردم آمریکا، بخش الیت جامعه ی آمریکایی و نخبگان آمریکایی وقتی به خیابان ها می آیند و تظاهرات می کنند، با برخورد خشونت آمیز آمریکایی ها مواجه می شوند.

۶- در سال ۱۹۶۸ در جنوب کارولینا اتفاق افتاده بود که در آنجا نیروهای انتظامی از گازهای اشک آور و خمپاره استفاده کرده بودند و بسیاری از دانشجویان را زخمی کرده بودند و در سال ۱۹۷۲ در حادثه ی جرسی سی تی در دانشگاه جرسی که دانشجویان داخل دانشگاه معترض بودند، نیروهای پلیس وارد دانشگاه شدند و از گاز اشک آور و خمپاره استفاده کردند و تعدادی دانشجو را به ناحق دستگیر و بازداشت کردند و چندین نفر را زخمی کردند.

با مطالعه ی تاریخ برخورد پلیس امنیتی آمریکا با تظاهرات کنندگان متوجه می شویم که تظاهرات دانشجویان آمریکا در دفاع از مردم فلسطین اتفاق جدیدی نیست و ما نباید این اتفاق را نادر و غیرتکرارپذیر تفسیر کنیم. هر اندازه فردی رفتارهای مقامات سیاسی، امنیتی، فضایی و دولتی آمریکا به ویژه نیروهای امنیتی پلیس را که به عنوان آزادی بیان در برابر اعتراضات مسالمت آمیز مردم آمریکا از دهه ی ۶۰ تاکنون صورت گرفته، مطالعه کند، مشاهده می کند ده ها حادثه تلخ در تاریخ آمریکا اتفاق افتاده است.

در این حوادث به جای اینکه حمایت از آزادی بیان مورد توجه مقامات امنیتی قرار بگیرد، استفاده از زور، خشونت، شکنجه، کشتن، زخمی کردن، بازداشت های غیرقانونی و انواع و اقسام موارد جرائم حقوق بشری صورت می گیرد. وقتی دانشجویان امروز در آمریکا به دلیلی نقض حقوق بشر و به ویژه نسل کشی رژیم اشغالگر اسرائیل، اعتراض می کنند، پلیس آمریکا به برخورد با دانشجویان، و اعمال محدودیت ها و بازداشت های غیرقانونی نسبت به آنها می پردازد. امروز نه تنها دانشجویان آمریکا بلکه در همه ی نقاط دنیا، مردم آزادی خواه در مقابل نقض حقوق بشر و آنچه به عنوان نسل کشی در غزه اتفاق می افتد، اعتراض کرده و شعار می دهند و طبیعتاً باید به آنها اجازه داده شود.

تعیین سرنوشت فلسطین به دست مردم این سرزمین تبدیل به باور

عمومی شده است

دانشجویان و مردم آمریکا و اروپا اعتقادشان بر این است که مردم فلسطین حق دارند، به عنوان جبهه ی مقاومت، اقدام به تعیین سرنوشت خودشان کنند، کشور خودشان را مدیریت کنند، از سرزمین خودشان حمایت کنند. آنها به دولت آمریکا و دولت اروپا می گویند، شما از حمایت های مالی و نظامی رژیم اشغالگر دست بردارید و از آنها قطع حمایت کنید، پول ها، امکانات و تسهیلات را در اختیار رژیم

نسل کش و کودک کش و دولت تروریستی رژیم اشغالگر قرار ندهید و عملاً آپارتاید رژیم صهیونیستی را کمک نکنید.

به جای اینکه حرف های حق مردم به ویژه دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران شنیده شود و عملاً به عنوان بخشی از جریانات فعالان حقوق بشر، مورد حمایت قرار بگیرند، متأسفانه حوادث خیابانی و بازداشت های غیرقانونی در انواع و اقسام مناطق جغرافیایی در آمریکا، به ویژه دانشگاه ها، عملاً موجبات نقض حقوق بشر را ایجاد کرده است.

در گذشته نیز در ایالت های مختلف آمریکا مانند فلوریدا، میشیگان، پنسیلوانیا، نیویورک، کالیفرنیا، تگزاس، ایلی نویی، ویرجینیا شواهدی داریم که نشان می دهد تظاهرات مسالمت آمیز و اعتراضات مردمی به مناسبت های مختلفی افتاد که با مصلحت اندیشی های مقامات امنیتی و سیاسی دولت آمریکا مخالف بود. مقامات امنیتی و سیاسی آمریکا، نه تنها اعتراضات را سرکوب کردند بلکه اقدامات نژادپرستی را تقویت کرده و از خشونت پلیس استفاده کردند. لذا دستگیری ها و بازداشت های گوناگونی افتاد و بعضاً پرونده های کیفری، محکومیت های شغل های اجتماعی و حتی انتخاب مسکن و شغل مناسب، نسبت به کسانی که برایشان پرونده درست کردند و محرومیت های مختلف اجتماعی افتاد.

چالش های حقوق بشری آمریکا باید تبیین شود

چالش هایی که امروز حقوق بشر آمریکایی با آن مواجه است طبیعتاً باید بازنگری، بازبینی و روشنگری شود. باید آمریکایی ها به آزادی اجتماعی، آزادی های اساسی حقوق بشری، به تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی مردم خودشان و مردم دنیا احترام بگذارند و این آزادی ها را از جمله حق تعیین سرنوشت سیاسی، حق آزادی بیان، آزادی تشکیلات و حق انتخابات آزاد و..... به رسمیت بشناسند و به رفتارهای مسالمت آمیز برای اعطای چنین حقوقی و حفظ آن، به ویژه در خصوص آزادی اجتماعی و اعتراضات و تحصن ها پردازند.

آمریکایی ها خودشان را مدعی و امداران میثاق بین المللی مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ می دانند و به اعلامیه های حقوق و وظایف انسان و کنوانسیون های آمریکایی حقوق بشر دل می بندند، چه در اروپا چه در آمریکا به کرات حقوق بنیادین هر نسل اولی و هر نسل دومی حامی حقوق بشر نقض می شود و خودشان را مسئول و پاسخگو به جامعه ی بین الملل نمی بینند اما وقتی در سازمان های بین المللی، شوراهای حقوق بشر، کمیته های حقوق بشری کشورهای دیگر را که در جبهه ی دشمن یا متخاصم قرار دارد یا در حقیقت جزو ائتلاف بین المللی آمریکا نیستند، آنها را به بهانه های مختلف حقوق بشری مورد نقد قرار می دهند و محرومیت های تحریم های اقتصادی را به آنها اعمال می کنند و بعضاً وارد جنگ

های بشردوستانه می شوند. این تعارض در رفتار، به صورت ساختاریافته در نظام سیاسی و اجتماعی آمریکا وجود دارد.

به همین دلیل امروز بایستی جامعه ی جهانی به استاندارد های بین المللی حقوق فرد برگردد و آزادی بیان را به صورت دقیق طراحی کرده، بازبینی مجدد کند تا خوانش جدیدی را در خصوص حقوق بشردوستانه، نه به تعبیر و دیدگاه نظام ایالات متحده ی آمریکا و غرب اروپا بلکه به اعتبار نسل انسانی و جمعیت انسانی که در این کره ی زمین زندگی می کنند و کسانی که به دنبال کمال انسانی می گردند، به وجود آورد. بایستی حقوق بشر بنیادین بار دیگر بر اساس حقوق بشر جهانی، غیر قابل تفکیک، مورد احترام و بدون اعمال محدودیت های غیراصولی بازبینی شود.

اروپایی ها و آمریکایی ها عمدتا به شعارگرایی در حقوق بشر تمایل و رویکرد علنی پیدا کردند ولی عمدتا موقتی و سازمان یافته است که برای منافع سیاسی و امنیتی شان تعریف می کنند. با استانداردهای دوگانه از حقوق بشر صحبت می کنند. سازوکارهای حمایتی حقوق بشرشان برای حمایت از منافع سیاسی و امنیتی، حفظ هژمونی قدرت در کشور و در منطقه و در جوامع بین الملل است. طبیعتا بایستی یک خوانش جدیدی را از حقوق بشر داشته باشیم.

وقتی آمریکایی ها به عراق حمله کردند، بحث حقوق بشر دوستانه را مطرح کردند و گفتند می خواهیم مردم عراق را از خفقان و دیکتاتوری رژیم بعث آزاد

کنیم و عملاً حقوق بشر را برای مردم عراق به ارمغان بیاوریم. در عمل دنیا شاهد عینی بود. حوادث را ثبت و ضبط کرد که چقدر کودک، زن و مردان بی گناه در عراق کشته شدند. حقوق بشر مردم عراق رعایت نشد. از کمترین امکانات بهداشتی و دسترسی به دارو و غذا برخوردار نبودند حتی به حدی که مردم عراق، در بیمارستان هایشان از کمترین امکانات پزشکی محروم بودند. چطور می شود به بهانه ی حقوق بشر عملاً اقدامات ضدبشری مرتکب شد؟

در همین جریان عملیات مرگبار رژیم اشغالگر صهیونیستی علیه مردم غزه، بیمارستان ها تخریب شد. مدارس و مراکز عمومی و خدمات رسانی را در غزه بمباران کردند و مردم غزه را از آب و برق و غذا و امکانات دارویی و پزشکی محروم کردند. جلوی امدادگران را گرفتند و در موارد زیادی به امدادگران، خبرنگاران و مسالمت جوئیانی که برای حفظ حقوق بشر و اصول حقوق بشری برای حمایت از مردم غزه، وارد غزه شدند و با آنها برخورد سختی کردند، انفجارات و حملات نظامی سنگین ایجاد کردند. طبیعی بود که در این گونه برخورد، حداقل محکومیت از دنیای غرب به ویژه ایالت متحده ی آمریکا در مقابل نسل کشی رژیم اشغالگر امضا شد.

وقتی عضوی از شورای امنیت، خاتمه نسل کشی جنگ را در غالب یک قطع نامه، اعلامیه و بیانیه ی دیپلماتیک در شورای امنیت مطرح می کند، رژیم اشغالگر

صهیونیستی، پشت حمایت های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نظامی آمریکا خودش را پنهان می کند. ایالت متحده ی آمریکا به کرات از حق وتوی خودش در صدور قطع نامه ها و بیانیه ها بر علیه رژیم اشغالگر استفاده کرده و اجازه نمی دهد جامعه ی جهانی بین المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل که وظیفه اش حفظ و صلح امنیت بین المللی از فصل هفتم منشور ملل است، به وظیفه ی خودش عمل کرده و عملاً جلوی نسل کشی رژیم اشغالگر صهیونیستی را بگیرد.

تنها عامل محدودکننده و مانع شونده برای حفظ صلح و امنیت در جهان به ویژه در منطقه ی ما و بالاخص در منطقه ی فلسطین، سیاست های آمریکایی است. وقتی دانشجویان و اساتید دانشگاه های آمریکا و دانشگاه های غربی این بی عدالتی ها و اجحاف را می بینند، حق خود می دانند که تجمع، تحصن و اعتراض کنند و حداقل حرف هایشان را بزنند.

وجوه تمایز آشوب های ایران و خیزش در غرب

تفاوت تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان و اساتید و مردم آمریکا و اروپا، با آنچه در ایران در برخی ادوار گذشته اتفاق افتاده، تفاوت کاملاً فاحشی است. در فتنه ها و آشوب های ایران، غربی ها حمایت مالی و سیاسی کردند. عمدتاً کسانی که در فتنه ها به خیابان ها می آمدند، آشوبگر واقعی بودند. تظاهرات کننده نبودند و دنبال تخریب منافع ایران و اموال عمومی بودند. حتی با اسلحه و خشونت های امنیتی

وارد خیابان‌ها می‌شدند. دنیای غرب در آن زمان از همین حرکات که مردمی نبود، حمایت کرد.

تظاهرات دانشجویان و اساتید آمریکا بدون استفاده از ابزارها و آلات امنیتی و خشونت است. حتی چاقو در دست ندارند. تظاهرات کاملا مسالمت آمیز و بر اساس اصل آزادی بیان و اصل آزادی تجمعات است. طبیعتا بایستی بر اساس حقوق بشر مورد احترام قرار بگیرد ولی اینطور نیست.

مفهوم حقوق بشر واقعی این است که در تظاهرات‌ها، حمایت از حق و اموال مردم و حمایت از نیروهای امنیتی به عمل آید اما حقوق بشر در خوانش ایالات متحده ی آمریکا، به صورت ادعای حقوق بشر است که پشت حیات خلوت این صورت سیاستمداران، منافع نظامی‌ها، اقتدارات دولتی امنیتی غرب برای حمایت از دنیای ثروت و یا قدرت و زور مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا مشاهده می‌کنیم رژیم اشغالگر صهیونیستی به راحتی آزادی بیان حقوق بشر را نقض می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران از حق دفاع مشروع استفاده کرد

حمله ی رژیم اشغالگر صهیونیستی به مکان دیپلماتیک ایران در دمشق، نقض صریح، واضح و فاحش حقوق بین الملل بوده است. این اقدام، نقض ماده ی ۲ و ماده ی ۴ منشور سازمان ملل بوده است و عملا حاکمیت ما را مورد حملات نظامی قرار داده است، دنیایی که خودش را مدعی حقوق بین الملل می‌داند و معتقد است

واضع حقوق بین‌الملل است و بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان‌های بین‌المللی و اصول حقوق بین‌الملل را ارتقاء داده است و محاکم بین‌المللی ICJ و ICC را ایجاد کرده است، از مراجع و سازمان‌های بین‌المللی حمایت می‌کند برای اینکه حقوق بین‌الملل پایدار باشد.

کسانی که خودشان را موسسین، مدعیان و حامیان حقوق بین‌الملل می‌دانند و کنوانسیون‌های روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ یا کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳ را مدعی هستند، انتظار بر این بود بعد از حمله به محل دیپلماتیک ایران، به کنوانسیون بین‌المللی روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ میلادی ارجاع داده و به ماده‌ی ۲۲ و ۲۴ و ۲۹ کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳ استناد می‌کردند.

وزیر امور خارجه‌ی ما شدیداً پیگیر کشورهای مدعی حقوق بین‌الملل بود و با وزرای خارجه و مقامات سیاسی کشورهای غربی انگلیس، فرانسه و آلمان ارتباط کلامی و تلفنی و حضوری داشت برای این که از این کشورها، نسبت به اقدام خلاف عمل و ناقض حقوق دیپلماتیک رژیم صهیونیستی، محکومیت بگیرد. مشاهده می‌کنیم که هیچ‌کدام از این کشورها رژیم صهیونیستی را محکوم نکردند. موضوع ماده‌ی ۳۸ اساس نامه دیوان بین‌دادگستری، منابع حقوقی ما را به سخره می‌گیرد. حقوق بین‌الملل را به استهزاء می‌رساند. طبیعتاً وقتی جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین‌المللی ایران به این جمع بندی می‌رسد که قرار نیست

دنیای غرب که مدعی حقوق بین الملل است، رژیم اشغالگر را حداقل در غالب یک بیانیه و قطع نامه تنبیه کند، از حق قانونی و مشروعش که در ماده ی ۵۱، به صراحت به کشور عضو، اجازه و اختیار داده از حق دفاع مشروع خود استفاده کند و با اقتدار توانست تنبیه لازم را به رژیم اشغالگر بدهد. به دلیل این که حقوق بین الملل اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا از ایران حمایت نکرد. طبق ماده ی ۵۱ از حق دفاع مشروع خود استفاده کردیم.

نتایج حقوقی نابرابری های سیاسی حاکم بر جهان

آنچه که امروز در صحنه ی سیاسی در فضای بین الملل به ویژه کشورهای مدعی حقوق بین الملل و بالاخص آمریکا می بینیم، نتیجه می گیریم که آنچه که از حقوق بین الملل، اصول پایدار صلح امنیت جهانی، اصول حقوق بشری و موضوعات مرتبط به حقوق بشردوستانه که در ادبیات نوشتاری دنیای غرب وجود دارد، مورد استفاده دوگانه توسط دولتمردان دنیای غرب قرار می گیرد. اعتقادی به چنین اصول و ادبیاتی نیست. این ادبیات را برای منافع زور و زر و تزویر و قدرت و هژمونی خودشان در دنیا دارند. حتی گاهی با استناد به همین اصول بین المللی در مقابل حقوق بشر و کرامت انسانی و در مقابل حق تعیین سرنوشت مردم ورود پیدا می کنند و عملاً خود مدعیان حقوقی هستند که ناقض حقوق بین الملل است، به همین دلیل امروز جای این است که حقوق دانان، وکلا، پژوهشگران حقوقی در جامعه ی

بین الملل چه در داخل کشورهای غربی به ویژه آمریکا و چه در جهان آزاد، یک هم اندیشی جهانی و بین المللی حقوق را مطرح کنند.

امروز تظاهرات دانشجویان و مردم در آمریکا و اروپای غربی و جامعه بین الملل، وعده ی صادقی برای جامعه بشری است که بشر امروزی به سمت و سوی رسیدن به واقعیت حرکت می کند و امید است که این حرکت به صورت مستمر ادامه پیدا کند تا ما در قرن بیست و یکم که قرن پیشرفت تکنولوژی، هوش مصنوعی و روش های هوشمندانه است. بتوانیم رنسانس را در حوزه حقوق بین الملل ببینیم. امروز باید دنبال ایجاد رنسانس حقوق بین الملل در دنیا باشیم که این رنسانس در دانشگاه های کشورهای غربی اتفاق افتاد.

توسعه حقوق بین الملل دیگر از غرب دنبال نمی شود

کشور آفریقای جنوبی بر علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی در دیوان بین دادگستری اقامه ی دعوا می کند و عملاً رژیم اشغالگر را به دادگاه احضار می کند. دنیای حقوق بین الملل باید افتخار کند که کشوری که خودش درگیر جنگ با رژیم اشغالگر نیست بلکه رابطه ی دیپلماتیک و رابطه ی اقتصادی با رژیم صهیونیستی دارد اما وقتی جنایت نسل کشی را می بیند چون خودش قربانی آپارتاید و نژادپرستی سفیدپوست ها بر علیه سیاه پوست ها است، اقامه ی دعوا می کند. بدون اینکه الزامی داشته باشد یا منفعتی کسب کند بلکه می داند پرونده ای که باز می کند عملاً منافع

بین المللی و دیپلماتیک و اقتصادی خودش را در رابطه با غرب بالاخص ایالات متحده به خطر می اندازد اما چون جرأت دارد و کلا را آماده می کند تیم حقوقی را مجهز می کند و با اعتماد به نفس و اعتماد به حقوق بین الملل در ICJ طرح دعوی حقوقی می کند.

به محض اینکه آفریقای جنوبی رژیم اشغالگر را وارد دیوان دادگستری کرد، اولین تقاضایی که از قضات شانزده گانه ی ICJ می کند خواسته های موقت و صدور قرارهایی است که عملا بتواند از مردم فلسطین حمایت و نسل کشی در غزه جلوگیری کند، اگر چه ICJ نتوانست در مورد صدور قرار موقت تصمیم بگیرد اما در دیگر خواسته ها تمکین کرد و قرارهایی صادر کرد که با آن ها عملا رژیم اشغالگر را محکوم می کند و در حالی که رای ای صادر نشده است آفریقای جنوبی به اهدافش می رسد و به دنیا اعلام می کند که کاری که رژیم اشغالگر بر علیه انسانیت، وجدان آزادی خواهان دنیا انجام می دهد، جرائم بر علیه حقوق بشر است.

این را باید به فال نیک بگیریم و معنای آن این است که اگر در جایی حقوق بین الملل مورد حمله قرار می گیرد و نقض می شود در جای دیگری از دنیا حقوق بین الملل رشد و توسعه پیدا می کند با این تفاوت که این بار صدای حقوق بین الملل را از غرب آمریکا نمی شنویم، از آفریقای جنوبی می شنویم، امروز حقوق

بین الملل از حلقوم آزادمردان دنیا شنیده می شود، از حقوق دانان آزاد و وکلای بدون مرز به دنیا شنیده می شود.

از جامعه ی حقوق دانان ایران شنیده می شود که وقتی وکلای ما در ICC دیوان کیفری بر علیه رژیم اشغالگر، پیگیری کیفری کردند، نشان می دهد جامعه ی حقوق دانان ایرانی بصیرت دارند، آزادی خواه و عدالت طلبند، با جرائم علیه بشریت و نسل کشی مخالفند و صدایشان را به فضای بین الملل می رسانند.

در چند روز آینده ICC بتواند دیوان بین المللی مجاب شود که حکم بازداشت نتانیاهو و مقامات ارشد سیاسی و نظامی ارشد رژیم اشغالگر را صادر کند که اگر حکم بازداشت صادر شود، عملاً میخ دیگری است که بر تابوت رژیم صهیونیستی زده خواهد شد.

امیدواریم با استفاده از قدرت، اقتدار، حکمت و حاکمیت در جامعه ی بین المللی بتوانیم حقوق بین الملل را پایدار نگه داریم و مفهوم منحرف شده و دوگانه شده ی حقوق بشردوستانه را آزادی بیان و عدالت را که استفاده ی ابزاری در دست دنیای غرب به ویژه ایالات متحده ی آمریکا است این را در فضای بین الملل منسوخ کنیم و عملاً عدالت واقعی و آزادی بیان واقعی، حقوق بشردوستانه ی واقعی و کرامت انسانی و دادن حق آزادی و انتخاب در تعیین حق سرنوشت مردم به ویژه در حوزه ی کشورهای تحت ستم بالاخص فلسطین احیا کنیم.